یادداشت

سنگر نفوذناپذیر جهان ایرانی

ادامه از صفحه اول

...در تراز مفاهیمی مانند: جشن نوروز، سفره هفت‌سین، شب یلدا، معماری ایرانی، صنایع دستی، غذاهای سنتی قابل سنجش و فهم است. نمود فرهنگی به آنچه می‌بینیم، می‌شنویم، لمس می‌کنیم و در سطح جامعه مشاهده‌پذیر است، اشاره و تأکید دارد. اما نمودها، تجلیات بیرونی و قابل مشاهده فرهنگ‌اند. اما بودِ فرهنگی ایرانی به هستی و جهان، روح و لایه‌های عمیق و پنهان فرهنگ اشاره دارد. لایه‌هایی را که گویی در اقلیم‌های عرفان، ادبیات و شعر و داستان ایرانی دقیق‌تر و عمیق‌تر می‌توان درک کرد تا با مطالعات جامعه‌شناختی و وانمودشده بودها. این ابرمسئله عظیم و رخنه عمیق در مطالعات فرهنگی در ایران و شرق‌شناسی و باستان‌شناسی است که هنوز میان فرهنگ و تمدن نتوانسته به فهم عمیق و خودشناسی تاریخی و اینجایی و اکنونی دست یابند. این بود در زندگی روزمره قابل شناخت نیست و اقلیم نمودها قابل شناخت تجربی و پوزیتویستی نیست. یکی از لحظات و اوقاتی که بود فرهنگی ایرانی سیمرغ‌وار بر آسمان و زمین نمودها و مسائل خُرد و درشت درونی سر برمی‌آورد و سایه می‌گستراند و در لایه رویین چهره می‌گشاید، لحظه رخداد آزرم و جنگ میان ایرانیان و انیران است؛ لحظه‌ای که نیروی ناخودآگاهی تاریخی و فرهنگی خود را در قالب پندار و گفتار نیک و خاطره‌ها و حافظه‌های آشنا و صمیمی آزاد می‌کند. گوش‌های درخشان از فروزش این خیزش بودِ فرهنگی ایرانی در جنگ ایران و عراق رخ نمود و چهره‌گشایی کرد و مفهوم بودِ ایرانی در برابر تجاوز دشمن خارجی و بی‌اعتنا به و چشم‌پوشی از نمودهای متکثر و فریبنده سیاسی، نژادی، زبانی، مذهبی، جنسیتی و نسلی به آوردگاه دشمن خارجی و متجاوز به میهن یورش برد و پرتوی از هستی و جهان ایران و ایران اسلامی را نشان داد.

ژان بودریار، نظریه‌پرداز پست‌مدرن و جنجالی فرانسوی، در کتاب نکته‌سنجانه و تیزبینانه خود به نام آمریکا (۱۹۸۶) به موضوعی عمیق در واکاوی سرشت این بودِ فرهنگی و تاریخی در گستره جهان در قیاس با بودِ فرهنگی آمریکا به‌مثابه سرزمین پست‌مدرن اشاره دارد. بودریار در این کتاب که گونه‌ای روایت و سفرنامه تحقیقی از شهرها و فضاها و سرزمین‌های آمریکاست، می‌گوید مکتب اصالت عمل و پراگماتیسم آمریکایی خاص این سرزمین است و خاستگاهش در این خاک ریشه دارد و تنها از این سرزمین می‌توانست رشد و نمو کند، به ثمر بنشیند و شاخ و برگ گیرد، زیرا در این سرزمین ناکجاآبادی و فراواقعیت که شعار آمریکایی رؤیایت را بساز (make your dream) نمودار و بازنمایی می‌شود، رؤیا و عمل تقریبا همساز و یکسان و برهم‌نهاده هستند، یعنی چیزی که در جاهای دیگر صرفا یک آرمان یا رؤیای دست‌نیافتنی تلقی می‌شود، در آمریکا به‌سرعت و به طور مستقیم به عمل و واقعیت تبدیل می‌شود که آن را تحقق یوتوپیا از پیش می‌خواند. برای بودریار، آمریکا سرزمین و فضایی است که رؤیا بی‌واسطه و بلادرنگ به عمل می‌انجامد و ایده‌ها و آرزوها به‌سرعت به پروژه‌ها، محصولات و شیوه‌های زندگی تبدیل می‌شوند. برای مثال، هالیوود فقط صنعت فیلم‌سازی نیست، بلکه تجسم رؤیاها و اسطوره‌های مدرن آمریکایی است که به صورت تصویری و جذاب به مخاطبان عرضه می‌شود و بر واقعیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. در مقابل، بودریار اروپا و کشورهای دارای تاریخ و تمدن را اقلیم‌هایی می‌داند که در میان رؤیا و عمل، اقلیم سومی به نام تاریخ وجود دارد که در تعاملی پیچیده و چندلایه با دو اقلیم دیگر است. این سه اقلیم و سه عنصر نه‌تنها همواره همسو نیستند، بلکه گاهی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. تاریخ و گذشته‌ای غنی «عمل» را اغلب به بار سنگین ادب و سنت دیرینه مقید می‌کند و مهار می‌زند؛ بنابراین تمایز اصلی این است که در آمریکا، دو سطح (رؤیا و عمل) تقریبا هم‌تراز و فاقد ارجاع به گذشته‌اند، درحالی‌که در کشورهای دارای تمدن و تاریخ، سه اقلیم و سطح رؤیا، عمل و تاریخ در یک دیالکتیک پیچیده و مستمر با هم قرار دارند. این کشورها هنوز به معنا و ریشه اهمیت می‌دهند، درحالی‌که آمریکا به سمت واقعیتی بدون ریشه پیش می‌تازد؛ چون تاریخ ندارد. نکته‌ای که درباره اسرائیل بی‌تاریخ و متجاور نیز راست است. فقدان درک این تمایزها، پیامدهای زیان‌بار و هولناکی برای مطالعات اجتماعی و اقتصادی ارتش آمریکا و اسرائیل (به‌مثابه یک نظام فراواقعیتی) در فهم و درک کشورهای دارای تمدن و فرهنگ تاریخی داشته است. ریشه نظری شکست ارتش آمریکا در جنگ درازمدت در ویتنام، افغانستان، عراق و... در فهم همین تمایزهاست. شکست کشوری بی‌تاریخ یا تاریخ دست‌ساخته هالیوودی در برابر کشورهای تاریخی و دارای تمدن و فرهنگ.

جهان ایرانی، جهان سه‌اقلیمی است که در سه شعار پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار و پایدار مانده است. ایرانیان با ریشه در تاریخ و تمدن هزاران‌ساله خود و مؤدب به ادب و فرهنگ پارسی و ایران اسلامی و برخوردار از گنجینه‌ای از ادبیات و شعر و هنر متکثر و گوناگون، اما هم‌بسته خود در بزنگاه‌های تاریخی همواره ایرانی می‌اندیشیده و کردار آنها فراورده گفتار نیک است که گویی همان حکمت عملی و مجرای تبدل پندار نیک به کردار نیک است و این منطق و گفتار جهان ایرانی به‌آسانی آنها را در تفکیک میان وضعیت ناگوار و نابخردانه خود با وضعیت جنگ میان ایرانیان و انیران یاری می‌دهد و پرستاری می‌کند.

براساس‌این، برای ایرانیان شناخت و تمییز میان وضعیت ناگوار و بحرانی زندگی اینجایی و اکنونی با حقیقتی هزاران‌ساله که با آن زیسته و در این فضا هر صبح و شام نفس کشیده، سخت و دشوار نبود و آن حقیقت، حرمت و کرامت سرزمین مادری است. هرچه باشد و هرچه وضعیت زندگی سخت و دشوار باشد و جفاها و بی‌اعتنایی‌ها در دیده‌ها نمایان باشد، اما حرمت سرزمین مادری با هیچ چیز قابل تشبیه نیست و این سرزمین نباید به پای چکمه‌های دشمن ایرانی آلوده شود.

پرده سوم جنگ با مردم آغاز شد و به دست آنها نقشه پنهان و علت غایی جنگ شکست خورد و ورق برگشت. جنگ رسانه‌ای تیم جنگ‌افروزان نبردی میان صدای آمریکا، اسرائیل اینترنشنال و... با رسانه‌های رسمی نظام نبود، بلکه این آوردگاه رسانه‌ای، آوردگاهی میان فردوسی، حافظ و سعدی و سنایی بود که روح و ضمیر ناخودآگاه ایرانی را نمایندگی و بازنمایی کرده و می‌کنند و این چهره‌ها مزار نیستند که بتوان آنها را بمباران کرد، بلکه نمودهای خاطره‌ها و حافظه دیرینِ سرزمین مادری ایران و بودِ فرهنگی و تاریخی ایران اسلامی‌اند که با هیچ بمب سنگرشکن و هواپیماهای مدرن و هوشمندی نابودشدنی نیستند.

پرده سوم با حضور آگاهانه و نقش‌آفرینانه و هوشمندانه مردم در نه‌گفتن به فراخوان پیاده‌سوار ارتش اسرائیل و آمریکا شدن، رقم خورد و حماسه‌ساز شدند. اسرائیل و آمریکا و ناتو بیش از موشک و ترور به فرهنگ و درایت ایرانی باختند و ایرنیان اجازه ندادند تا شعار آمریکایی و اسرائیلی رؤیاهات را بساز، بر پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک چیره شود.

همین مردم بودند که با وجود آنکه دهه‌ها رسانه‌های غیرملی داخلی آنها را مستعد فریب و گمراهی و مرعوب‌شدن در برابر تهاجم رسانه‌ای و فرهنگی شبکه‌های اجتماعی و مجازی می‌خواندند و می‌دانستند و سزاوار فیلتر و ارشادشدن، در بحبوحه جنگ در سنگر نفوذناپذیر جهان فرهنگی و درایت ایرانی جانانه ایستادند و گامی به عقب برنداشتند و دشمن را در تداوم جنگ مأیوس و سرافکنده کردند. پیروز نهایی این جنگ همین مردم‌اند که باید مدال شجاعت و حکمت و درایت به سینه آنها سنجاق شود. آنها بودند که کار را تمام کردند و این تنها سنگری بود که دشمن نتوانست در آن رخنه کند. اکنون نوبت نظام است که تعریف و تفسیر خود از مردم را دگرگون و مرزهای فراواقعیتی میان خود با آنها را کمتر کند.

معادلات جدید قدرت در خلیج فارس پس از جنگ اسرائیل و ایران

خاورمیانه در تقاطع تغییر

شرق: خاورمیانه روزهای پرالتهابی را پشت سر می‌گذارد؛ اما این تحول، آن‌گونه که رهبران آمریکا و منطقه تا کمتر از دو سال پیش انتظار داشتند، پیش نمی‌رود. پیش از حملات حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، سال‌ها مذاکرات فشرده، عربستان سعودی را تا آستانه توافقی تاریخی برای به‌رسمیت‌شناختن اسرائیل پیش برده بود؛ توافقی که می‌توانست ائتلافی میان اسرائیل و کشورهای عربی ایجاد، حمایت آمریکا از امنیت سعودی را تضمین کند و راه را برای پذیرش گسترده‌تر اسرائیل در جهان عرب و اسلام بگشاید.

اما طی فقط ۱۲ روز و در پی حملات گسترده اسرائیل علیه ایران، تمامی محاسبات پیشین به‌کلی بر هم خورد. این رویداد پایانی بر سلسله جنگ‌هایی بود که موجب تضعیف گروه‌های مورد حمایت تهران مانند حزب‌الله و حماس شد، به فروپاشی حکومت اسد سرعت بخشید و نهایتا ایران را در موقعیتی دشوار قرار داد.

دولت ترامپ و کابینه اسرائیل به‌وضوح نشان داده‌اند که قصد دارند بار دیگر روند عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی را پیگیری کنند. اما حالا که ایران در موقعیت دشوارتری قرار دارد، عربستان کمتر از پیش انگیزه دارد نگرانی‌های دیگرش را کنار بگذارد و به پیش برود. ریاض برای ارزیابی پیامدهای برتری نظامی و اطلاعاتی اسرائیل -و تمایل بالای تل‌آویو برای پذیرش ریسک‌های ناشی از آن- نیازمند زمان بیشتری است.

مقامات ارشد خلیج فارس معتقدند سرمایه‌گذاری‌شان بر روابط با واشنگتن، از جمله میزبانی سفر پرسروصدای ترامپ به منطقه در ماه گذشته، هنوز به نفوذی که انتظار داشتند منجر نشده است. حمایت مکرر ترامپ از حملات اسرائیل و تهدیداتش علیه ایران، آنان را نگران گسترش یک جنگ منطقه‌ای کرده است. در نهایت، ترامپ دستور حمله محدود و کاملا مؤثر به مراکز هسته‌ای اصلی ایران داد و سپس آتش‌بسی را میانجیگری کرد که به درگیری‌ها پایان داد؛ حتی در مقطعی اسرائیل را به بازگرداندن بمب‌افکن‌هایش فراخواند. با اینکه بدترین سناریوها محقق نشد، رهبران خلیج فارس ناگزیرند پیش از هر اقدامی، چشم‌انداز پیش‌رو را دوباره ارزیابی کنند. «همه چیز در حال تغییر است»؛ این توصیف بادر السیف، کارشناس امور خلیج فارس و جهان عرب از دانشگاه کویت است.

تلاش تازه ترامپ برای گسترش عادی‌سازی

ترامپ اکنون مشتاق است از فضای به‌وجودآمده پس از آتش‌بس با ایران بهره‌برداری کند و کشورهای بیشتری را به جمع پذیرندگان روابط دیپلماتیک با اسرائیل اضافه کند. او قصد دارد مسیر توافقات ابراهیم -که در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش با امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان به امضا رسید- را گسترش دهد. استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور، چهارشنبه در شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت: «یکی از اهداف کلیدی رئیس‌جمهور ترامپ این است که توافقات ابراهیم توسعه یابد، کشورهای بیشتری به آن بپیوندند و ما برای تحقق این هدف در تلاش هستیم».

اما موانع جدی همچنان سر راه عادی‌سازی روابط در خلیج فارس وجود دارد. عربستان صراحتا اعلام کرده تا زمانی که جنگ در نوار غزه بی‌نتیجه مانده است -جنگی که به گفته حماس تاکنون بیش از ۵۶ هزار شهید بر جای گذاشته- حاضر به امضای توافق نخواهد بود. مقامات فلسطینی آماری از تعداد نظامیان در میان کشته‌شدگان ارائه نمی‌کنند. عربستان همچنین بر ضرورت ایجاد مسیر قابل اعتماد برای تشکیل کشور فلسطین پافشاری می‌کند -مطالبه‌ای که اسرائیل قاطعانه رد می‌کند- و آن را راهکار اصلی ریشه‌های بحران منطقه می‌داند.

نگرانی‌ها از تغییر توازن ژئوپلیتیک

یکی دیگر از چالش‌ها، تحولات ژئوپلیتیک جاری در منطقه است. عملیات نظامی و اطلاعاتی اسرائیل علیه ایران و حزب‌الله، کشورهای عربی را نگران کرده که شاید اسرائیل دست به اقداماتی بزند که آنان نه‌تنها از آن حمایت نمی‌کنند، بلکه هیچ تأثیری هم بر آن ندارند. زک نان، نماینده جمهوری‌خواه ایالت آیووا، پس از دیدار با رهبران عربستان، امارات و بحرین -در جریان هیئتی دوحزبی در اوج جنگ اسرائیل و ایران- گفت: «اسرائیل قربانی موفقیت خودش شده است». به گفته او، پادشاهی‌های خلیج فارس قدرت نظامی اسرائیل را می‌بینند و خواهان تضمین استفاده مسئولانه آن هستند. همکاری با اسرائیل برای مهار ایران در سال‌های اخیر برای برخی کشورهای عربی جذاب‌تر شده است. اسرائیل و کشورهای خلیج فارس هر دو در تیررس موشک‌های ایران قرار دارند و حمایت از گروه‌های نظامی در سرزمین‌های فلسطینی، لبنان، سوریه، عراق، بحرین و یمن، امنیت اسرائیل و بسیاری از کشورهای عربی را تهدید می‌کند.

چالش‌های امنیتی و تجربه‌های گذشته

در سال ۲۰۱۷، محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، رویکرد تندی در قبال ایران در پیش گرفت. در همان دوران، یک ویدئوی کارتونی در فضای مجازی منتشر شد که حمله عربستان به ایران را نمایش می‌داد؛ حمله‌ای مضحک که با ورود تانک‌های سعودی به تهران و پیروزی شاهزاده عربستان به پایان می‌رسید.

در سال ۲۰۲۰، امارات و بحرین، برخلاف تحریم دیرینه اسرائیل به دلیل موضوع فلسطین، روابط خود را با تل‌آویو عادی کردند. ترامپ تلاش کرد عربستان را نیز در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش به این مسیر بکشاند، اما زمان کافی برای تحقق آن نداشت.

در سال ۲۰۲۳، دولت بایدن توافق سه‌جانبه‌ای را پیش برد که در صورت حمله به عربستان، آمریکا متعهد به دفاع از ریاض و کمک به توسعه برنامه هسته‌ای غیرنظامی عربستان با امکان غنی‌سازی اورانیوم می‌شد؛ در ازای آن، آمریکا به پایگاه‌ها و حریم هوایی عربستان برای حفاظت از منافعش دسترسی پیدا می‌کرد و عربستان نیز همکاری امنیتی با چین را محدود می‌کرد.

عربستان ادعا کرده که ایران مسئول حمله پهپادی و موشکی به دو تأسیسات نفتی بزرگ در سال ۲۰۱۹ است. حوثی‌های یمن بارها شهرهای جنوبی عربستان و حتی ریاض، پایتخت عربستان، را هدف قرار دادند؛ تا جایی که در سال ۲۰۲۱، موشک‌ها و پهپادها به نزدیکی کاخ پادشاهی سعودی رسید. این گروه‌ها همچنین امارات را که در بمباران یمن با عربستان همکاری داشت، هدف حملات موشکی و پهپادی قرار دادند. در سال ۲۰۲۳، برای پرهیز از آسیب به برنامه‌های توسعه اقتصادی، عربستان و امارات تصمیم گرفتند با ایران وارد تنش‌زدایی شوند و تلاشی دیپلماتیک را برای متوازن‌کردن روابط و اجتناب از انتخاب یک‌طرفه میان قدرت‌ها آغاز کردند.

مدیریت بحران

پس از حمله ایران به اسرائیل با صدها پهپاد و موشک در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴، تهران پیش از حمله، کشورهای خلیج فارس را مطلع کرد تا بتوانند حریم هوایی خود را تخلیه کنند. در پاسخ به حمله اسرائیل، سعودی‌ها به ایران هشدار دادند از حمله به تأسیسات انرژی خلیج فارس پرهیز کند و از واشنگتن خواستند جلوی گسترش تنش توسط اسرائیل را بگیرد. این روند شکننده با ادامه کارزار اسرائیل علیه ایران، به آزمایش گذاشته شد. اگرچه کشورهای حاشیه خلیج فارس از تضعیف ایران استقبال می‌کنند، اما هرگونه سخن از تغییر حکومت، خاطرات تلخ اشغال عراق و هرج‌ومرج پس از سقوط حکومت این کشور در سال ۲۰۰۳ را در ذهن زنده می‌کند. حتی با توقف جنگ اسرائیل و ایران به واسطه آتش‌بس، عربستان همچنان نگران بی‌ثباتی سیاسی ایران و احتمال اقدامات تلافی‌جویانه تهران است. با بالاگرفتن احتمال حملات اسرائیل، عربستان، امارات، قطر و عمان نقش میانجیگر را میان آمریکا و ایران ایفا کردند. انور قرقاش، مشاور سیاست خارجی امارات، در ماه مارس برای تحویل پیامی از سوی ترامپ به تهران رفت و برادر کوچک‌تر محمد بن‌سلمان در فروردین با مقام‌های ارشد ایران دیدار کرد تا مخالفت ریاض با اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران را اعلام کند.

در نهایت، تلاش‌های عربستان برای تداوم دیپلماسی واشنگتن-تهران بی‌ثمر ماند و در ۱۳ ژوئن، تقابل اسرائیل و ایران وارد مرحله جنگ شد. مقامات خلیج فارس گفتند که از واشنگتن خواسته‌اند اسرائیل را تحت فشار بگذارد تا از ادامه حملات خودداری کند و ابتدا اطمینان یافتند که آمریکا وارد درگیری نخواهد شد.

نگرانی از نظم جدید منطقه‌ای

ماریا فنتاپیه، مدیر برنامه خاورمیانه و آفریقا در مؤسسه امور بین‌المللی رم، به وال‌استریت‌ژورنال می‌گوید: عربستان از فشارهای فزاینده آمریکا و اسرائیل علیه تهران سود برده بود، اکنون بیم آن دارد که به «دریافت‌کننده نظم جدید منطقه‌ای» بدل شود؛ نگرانی از اینکه اسرائیل، حکومت ایران را تضعیف کند و سپس اجازه رشد و توسعه بیشتر عربستان را ندهد.

کشورهای خلیج فارس، حملات اسرائیل به ایران را نقض حاکمیت تهران خواندند. حتی پس از حملات ترامپ، لحن مشابهی به کار بردند، اما آن را طوری تنظیم کردند که رئیس‌جمهور غیرقابل پیش‌بینی آمریکا تحریک نشود. پس از حمله از پیش اعلام شده ایران به پایگاه آمریکا در قطر، بار دیگر پیام مشترک خویشتن‌داری و کاهش تنش را هماهنگ کردند تا زمینه را برای آتش‌بس فراهم کنند. انور قرقاش یک روز پیش از بمباران مراکز هسته‌ای ایران توسط آمریکا، به خبرنگاران گفت: «در منطقه ما مسائل متعددی وجود دارد. اگر بخواهیم همه چیز را با پتک حل کنیم، چیزی از آن باقی نخواهد ماند». در حالی که جنگ اسرائیل و ایران تمام بنیان‌های نظم جدید مورد نظر کشورهای خلیج فارس -نظمی مبتنی بر توسعه و رفاه به‌جای نزاع و کشمکش- را زیر سؤال برده است، مقامات منطقه همچنان در پی یافتن راهی برای کاهش تنش‌ها و دستیابی به ثبات هستند.

تلاش تازه برای پایان جنگ غزه

شرق: ایالات متحده در مسیر دستیابی به توافقی برای پایان درگیری‌ها و آزادی گروگان‌ها در غزه، مذاکراتی تازه را آغاز کرده است. این تلاش‌ها در حالی شدت گرفته که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، می‌کوشد با بهره‌گیری از فضای مثبت آتش‌بس میان اسرائیل و ایران، راهی برای پایان‌دادن به بحرانی پیدا کند که نزدیک به دو سال خاورمیانه را گرفتار کرده است.

گرچه همچنان شکاف‌های مهمی میان اسرائیل و حماس باقی است، اما مقام‌های عربی میانجی مذاکرات می‌گویند هر دو طرف به پیشبرد توافق ابراز علاقه کرده‌اند. به گفته این میانجی‌ها، مذاکرات فعلا از طریق تماس‌های تلفنی دنبال می‌شود و احتمال دارد به‌زودی نشست مستقیمی با حضور طرفین در مصر -که به همراه قطر نقش واسطه‌گری در این گفت‌وگوها را ایفا می‌کند- برگزار شود.

ترامپ با اشاره به تأثیر مثبت آتش‌بس اسرائیل و ایران بر فضای مذاکرات غزه، به خبرنگاران در نشست سران ناتو در لاهه گفت: «به نظرم پیشرفت چشمگیری در موضوع غزه حاصل شده و فکر می‌کنم به‌زودی خبرهای خوبی خواهیم داشت». او تأکید کرد نماینده ویژه‌اش، استیو ویتکاف، اخیرا او را در جریان روند مذاکرات قرار داده و گفته است: «توافق بر سر غزه بسیار نزدیک است».

مقامات آمریکایی بارها نسبت به نزدیک‌بودن توافق نهایی ابراز امیدواری کرده‌اند، اما بارها نیز در آستانه حصول پیشرفت، یکی از طرفین روند مذاکرات را دچار اخلال کرده است.

این دور جدید مذاکرات پس از آن آغاز شد که تلاش‌های پیشین برای توافق به نتیجه نرسید. طی ماه‌های گذشته، اسرائیل و حماس دو بار به آتش‌بس موقت دست یافتند اما همچنان بر سر یک مانع بنیادین متوقف مانده‌اند: اسرائیل حاضر نیست خواسته حماس مبنی بر پایان کامل و دائمی جنگ را بپذیرد.

در حالی که اسرائیل آمادگی گفت‌وگو دارد، نشانه‌ای از تغییر مواضع آن در خصوص پایان جنگ یا سایر خواسته‌هایش -از جمله خلع سلاح کامل حماس- دیده نمی‌شود.

آغاز مجدد مذاکرات با میانجیگری ایالات متحده

پس از ماه‌ها بن‌بست، نشانه‌هایی از تحرکات تازه به چشم می‌خورد. ساعاتی پیش از اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و ایران از سوی ترامپ، نماینده ویژه او، ویتکاف، با مقامات اسرائیلی و میانجی‌های عربی تماس گرفت تا مذاکرات مربوط به توافق احتمالی غزه را از سر بگیرد. واسطه‌ها نیز با مقام‌های حماس ارتباط برقرار کردند که آنها نیز برای بازگشت به میز مذاکره ابراز تمایل کردند.

بر اساس گفته‌های میانجی‌ها، ویتکاف تأکید کرده که ترامپ خواهان پایان جنگ در غزه است و اسرائیل نیز به واشنگتن اعلام کرده که پس از ماه‌ها مذاکرات بی‌نتیجه، واقعا به دنبال دستیابی به توافق است.

با این حال، دفتر نخست‌وزیری اسرائیل و حماس به درخواست‌ها برای اظهارنظر پاسخ نداده‌اند. وزارت خارجه آمریکا و ویتکاف نیز حاضر به اظهارنظر نشده‌اند. حماس در بیانیه‌ای اعلام کرد به همکاری مثبت با تلاش‌های میانجی‌ها و هر ایده جدی که بتواند به توافقی جامع منجر شود، ادامه خواهد داد.

اسرائیل پس از حملات مرگ‌بار هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس که منجر به کشته‌شدن حدود هزارو ۲۰۰ نفر و گروگان‌گیری نزدیک به ۲۵۰ نفر شد، جنگ را در غزه آغاز کرد. از آن زمان، جنگ اسرائیل در این منطقه بنا بر اعلام منابع حماس به «شهادت بیش از ۵۶ هزار فلسطینی» انجامیده است. بخش عمده‌ای از غزه نیز به ویرانه بدل شده است.

یک منبع آگاه می‌گوید اسرائیل در تلاش بود تا هرچه سریع‌تر کارزار خود علیه ایران را به پایان برساند تا بتواند دوباره تمرکز خود را بر غزه معطوف کند.

به نوشته وال‌استریت‌ژورنال، حماس خود را در انزوای بیشتری می‌بیند و متحدانش به‌شدت آسیب‌دیده‌اند. بخش عمده رهبری نظامی حماس در غزه از میان رفته و این گروه اکنون در کمتر از هشت ماه، سومین رهبر خود را انتخاب کرده است.

طرح جدیدی که این روزها مطرح است، شباهت زیادی به پیشنهادهای قبلی دارد. به گفته میانجی‌ها، این طرح خواستار آزادی ۱۰ نفر از حدود ۲۰ گروگان باقی‌مانده زنده نزد حماس، به همراه تحویل اجساد برخی گروگان‌های کشته‌شده است. در مقابل، اسرائیل متعهد می‌شود شمار بیشتری از زندانیان فلسطینی را آزاد کرده و به مدت ۶۰ روز آتش‌بس برقرار کند.

بر پایه این پیشنهاد، پس از آتش‌بس ۶۰ روزه، مرحله آتش‌بس دائمی آغاز می‌شود که طی آن، باقی‌مانده گروگان‌های زنده و اجساد آنان نیز تحویل داده می‌شود.

حماس ابراز تمایل کرده است که در صورت دریافت تضمین‌هایی، آمریکا به طور علنی اعلام کند اسرائیل وارد مذاکرات پایان جنگ خواهد شد. دغدغه حماس این است مبادا اسرائیل پس از آزادی گروگان‌ها، مانند مرحله نخست آتش‌بس دوماهه ژانویه و آزادی ۲۵ گروگان اسرائیلی، دوباره به جنگ بازگردد و از مذاکرات شانه خالی کند.

گزارش

توافق تجاری چین و آمریکا

در تحولی مهم در عرصه روابط تجاری بین دو قدرت بزرگ جهان، یک مقام ارشد کاخ سفید به اپک‌تایمز اعلام کرد که ایالات متحده و چین، پس از ماه‌ها مذاکره، به توافقی تازه در چارچوب مذاکرات تجاری خود دست یافته‌اند. این خبر در حالی منتشر شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، یک روز پیش‌تر در جمع خبرنگاران، امضای این توافق را در تاریخ ۲۵ ژوئن تأیید اما از بیان جزئیات بیشتر خودداری کرد. ترامپ با اشاره به این توافق گفت: «ما داریم درهای چین را باز می‌کنیم؛ اتفاق‌هایی که پیش از این تقریبا غیرممکن بود، حالا دارد به واقعیت تبدیل می‌شود».

هنگامی که از مقام کاخ سفید درباره منظور رئیس‌جمهور سؤال شد، او اعلام کرد که دولت‌های آمریکا و چین بر سر ایجاد یک چارچوب اجرائی برای توافق ژنو به تفاهم رسیده‌اند، اما توضیح بیشتری ارائه نکرد.

توافق اولیه در ماه مِی شکل گرفته بود، زمانی که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا و جیمیسون گریر، نماینده تجاری ایالات متحده، با هه لیفنگ، معاون نخست‌وزیر و از مقام‌های ارشد اقتصادی چین، در سوئیس و با حضور کارین کلر-سوتر، رئیس‌جمهور سوئیس، دیدار و گفت‌وگو کردند. در آن مقطع، ایالات متحده تعرفه‌ای ۱۴۵درصدی بر تمامی کالاهای وارداتی از چین اعمال کرده بود و پکن نیز در پاسخ، تعرفه‌ای ۱۲۵درصدی بر محصولات آمریکایی وضع کرده بود.

مذاکرات پس از آن در لندن ادامه یافت و توافق جدید حاصل گسترش همین مذاکرات بود. ترامپ پیش‌تر در تاریخ ۱۱ ژوئن در پیامی تأکیدی با حروف بزرگ نوشت: «ما در مجموع ۵۵ درصد تعرفه داریم، چین ۱۰ درصد؛ رابطه عالی است!».

توافق تازه درست یک روز پس از آن اعلام شد که ترامپ خبر داد چین می‌تواند بار دیگر نفت از ایران خریداری کند. دولت آمریکا طی ماه‌های اخیر به دلیل ادامه این خریدها، تحریم‌هایی علیه پکن وضع کرده بود. ترامپ در پلتفرم تروث‌سوشال نوشت: «چین اکنون می‌تواند به خرید نفت از ایران ادامه دهد. امیدوارم از آمریکا هم مقدار زیادی خرید کند. باعث افتخار بزرگ من بود که این موضوع را ممکن کردم!».

به نظر می‌رسد این توافق تجاری جدید، فصلی تازه در روابط اقتصادی میان دو کشور رقم بزند و چشم‌انداز تازه‌ای را برای مبادلات جهانی و بازار انرژی ایجاد کند.

ریزنمرات اینجانب **شیما ادیبان** فرزند صمد به کد ملی ۴۳۶۰۴۵۳۰۶۱ صادره از قزوین در مقطع کارشناسی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی دانشکده فنی و حرفه ای دختران تهران (شریعتی)مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا مشود در صورت یافتن این مدرک آن را به دانشکده فنی و حرفه ای دختران تهران (شریعتی)، به نشانی:تهران- بزرگراه شهید تند گویان-میدان بهمن -خیابان میثاق جنوبی-خیابان ۶۱ شرقی یا کد پستی۱۸۹۱۸۶۲۸۲۷ ارسال نماید..

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ . املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه فراشکلای علیا پلاک ۷ اصلی بخش ۵ قشلاقی کلاسه ۱۸۷۵ - ۱۸۷۶ / ۱۴۰۳

رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۰۴۱۴ - ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۰۴۱۷ پلاک ۱۹۳ فرعی آقای مهدی نجفی عرب فرزند ماشاءاله و آقای بهزاد بهمنی مطلق فرزند علی اکبر حصه هر کدام مشاعا و بالسویه نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۹۵ / ۱۹۰ مترمربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای ولی اله نقیبی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهر ها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

م.الف. ۱۹۵۴۸۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴ / ۰۴ / ۰۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴ / ۰۴ / ۲۱

علی اکبر مقدسی فر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر